

اخبار

آبادان و خرمشهر را بدیهیم به صدام، بعداً پس می‌گیریم!

توان ارتش ایران در آن روزها کم بود و توان نیروی زمینی کمتر. نیروهایی که برای نبرد به مرزها اعزام می‌شدند در حد لشکر نبودند؛ در حد گردان و گروهان بودند. زودتر از همه تکاوران ارتش در گروه‌های کوچک برای دفاع رفته بودند و مدافعان شهرها را فرماندهی می‌کردند. روز سوم مهر دشمن به دروازه های خرمشهر رسیده بود. نیروی هوایی که در نخستین روزهای جنگ با حمله به مراکز نظامی مهم عراق خوش درخشیده بود با همه توانش باید در جبهه‌ای می‌جنگید با وسعت هزاران کیلومتر مربع در داخل و خارج ایران. نیروی دریایی هم در خلیج فارس درگیر حمله هوایی میگ‌های عراقی بود. در آن میان ایران یک مشکل بزرگ داشت. «بنی‌صدر» رئیس‌جمهور وقت، ایده‌هایی داشت که عملا ایران و ارتش ایران را برای دفاع خلع سلاح کرده بود.

زمین بدیهیم، زمان بگیریم!

بنی‌صدر معتقد بود جنگ را باید به روش دیپلماتیک حل کرد! اصلا انگار نه انگار که بعضی‌ها با تانک و هواپیما و توپ و لشکرهای پیاده و زرهی ریخته‌اند! داخل ایران. دیگر اینکه می‌گفت باید ارتش با روش‌های جنگ کلاسیک به نبرد بربی‌ها برود و چون ارتش توان کافی نداشت، ایده بدترش این بود که زمین بدیهیم، زمان بگیریم! ایده‌ای که در ایران نه دولتمردان انقلابی و نه مردم نمی‌بسنیدند و اصلا شنیدنش را هم باطل می‌دانستند چه برسد به اجرایش.بنی‌صدر خودش جبهه زیاد می‌رفت و عکس می‌گرفت، ولی نیرو و امکانات نظامی را برای دفاع از مردم به جبهه‌ها نمی‌فرستادبنی‌صدر را خیلی‌ها گمان می‌کردند بی‌تجربه و نابخته و سهل‌انگار او اهل خودنمایی است، ولی بعدها خیلی بیشتر از خیلی‌ها به این نتیجه رسیدند که اصلا خائن بود! یکی از استراتژی‌های خیانت‌بار وی این بود که باید خرمشهر و آبادان را بدیهیم به دشمن! این ایده فکری بنی‌صدر بعدها توسط آیت‌الله «هاشمی رفسنجانی» چنین بازگو شد: «چقدر این نماینده‌های خوزستان در مجلس داد زدن و از تن دل گریه کردند. پاسداران آنجا داد می‌کشیدند و خواستشان این بود که یک واحد ارتشی برای حمایت از نیروهای درگیر به آنجا برود. بنی‌صدر می‌گفت نمی‌توانیم بفهرستیم و نداریم. سعی او بر این قرار گرفته بود که خرمشهر و آبادان را بدیهیم و نیروهایمان را در شمال حفظ کنیم و بعد که برخورد مسلط شدیم، شهرها را پس بگیریم.»

اشغال و محاصره شهرها

در چهارمین روز جنگ، محاصره خرمشهر کامل شده بود و بمباران تعدادی از تانک‌های پرشمار عراقی توسط نیروی هوایی ایران نیز کراساز نبود. نیروی زرهی عراق در ۵ کیلومتری خرمشهر مستقر شده بود و بسیاری از اهالی شهر خانواده‌هایشان را می‌فرستادند تا بروند و خودشان دنبال اسلحه می‌گشتند تا بچنگند. خرمشهر در حال تخلیه بود و تعدادی از شهرهای استان خوزستان نیز با محاصره یا اشغال شده بودند. در استان ایلام، عتبار رفته بودند به کمک رزمنده‌ها و وضعیت بهتر بود؛ فقط در این حد که توان بیشتری برای مقاومت طولانی‌تر ایجاد شده بود. در سرپل ذهاب هنوز درگیری بود؛ هر شهری را عراق اشغال می‌کرد، مردمش آرام نمی‌نشتند. از نیروی زمینی ارتش فقط یک گردان تانک به اهواز رسیده و تحت امر لشکر ۹۲ زرهی اهواز قرار گرفته بود. بمباران هوایی شهرهای ایران از جمله بوشهر، آبادان، دزفول، ارومیه و تبریز ادامه داشت و درگیری در خلیج فارس هم. از همه بدتر اینکه ضدانقلاب در کردستان و آذربایجان غربی فعال شده و در آن ببحوجه جنگ، وضعیت امنیت ایران را وخیم‌تر کرده بودند.

متخصص شکار تانک

حالا در خرمشهر چگونه بود که لشکرهای زرهی عراق با پشتیبانی هوایی و تانک‌های پرشمار نتوانسته بودند شهر را اشغال کنند؟ چون مدافعان شهر فقط مردم نبودند؛ تکاوران نیروی دریایی هم بودند و همین تکاوران جلوی چشم بعضی‌ها کارهایی کردند که بعدها صدام، خرمشهر را گورستان تانک‌های عراقی نامید! یکی از این تکاوران «محمد علی صفا» بود؛ تکاوری آموزش دیده در پایگاه دریایی «روپال مارین» انگلستان. آنجا یک مدرک هم گرفته بود که نشان می‌داد کماندوی ویژه و متخصص شکار تانک است؛ در خرمشهر معلوم شد مدرکش واقعی بود. ۱۶۴ تانک پیشرفته آن روزگار را منهدم کرد. یارانش هم بودند و افتاده بودند به جان تانک‌های عراقی. اینطوری بود که خرمشهر بیش از ۳۰ روز مقاومت کرد و همان روزهای اول جنگ اشغال نشد. صفا در ۴ آبان شهید شد؛ همان روزی که خرمشهر سقوط کرد و خون امثال او بود که این شهر را خونین‌شهر کرد. نزد ایرانیان، وقتی خبر شهادت صفا منتشر شد، پایگاه کماندویی «روپال مارین» پیام تسلیتی برای خانواده‌اش فرستاد و اعلام کرد که پرچم این پایگاه به خاطر شهادت صفا ۳۰روز نیمه فراوان بوده است؛ آن‌قدر که نجابت و مهارت وی در دوران آموزش چترپازی، فنون زرمی و شیوه‌های نبردحیرت و تحسین فرماندهان و مربیان نظامی این پایگاه را برانگیخته بود. از همان ابتدای جنگ، نبرد روی زمین، هوا و دریا آغاز شده بود و ناوهای جنگی ایران در خلیج فارس هر روز با حمله میگ‌های عراقی مواجه بودندآن روز نیروی هوایی ایران دوباره با مانورهای اعجاب‌برانگیز بغداد را بر سر صدامیان خراب کردند و تانسیسات نظامی در بغداد، اربیل، کرکوک و موصل را بمباران کردند. ۸ میگ عراقی را هم روی هوا زدند.

از هیچ چیز ترسی نداریم

آن روز هم مثل روزهای قبل دلهره‌های جنگ بیشتر و بیشتر شده بود؛ اما آخرس قوت قلب ایران کلام روش مردی بود که روح‌الله ایران بود: «من از ملت بزرگ ایران نخواهم که در هر مسأله‌ای که پیش می‌آید قوی باشند، قدرتمند باشند، متکی به خدای تبارک و تعالی باشند و از هیچ چیز پاک نداشته باشند. ما از آن قدرتهای بزرگ ترسیدیم، این که قدرت ندارد، عراق که چیزی نیست. متکی به خدا هستیم و با اتکا به خدا از هیچ‌چیز ترسی نداریم. و شما ملت عزیز مجتعم باشید، مصمم باشید و از هیچ چیز هراس نداشته باشید که هراسی هم نیست.»

مداحان اهل بیت (ع) در برهه‌های مختلف

تاریخ انقلاب اسلامی نقش‌آفرین بودند؛ به حدی که می‌توان گفت در شکل‌گیری انقلاب و بقای آن تاکنون، مداحان اثرگذار بودند و هرجایی که نیاز بوده است به میدان آمدند و وظیفه تبلیغی و فرهنگی خود را ایفا کردند تا بسپح نبیره‌ها برای خنثی‌سازی تلاش‌های دشمنان را ایجاد شود.

مداحی که پدر ۳ شهید بود

در دوران دفاع مقدس نیز مداحان بسیاری حضور داشتند که از جمله آن‌ها می‌توان به حاج نادعلی کربلایی از مداحان مشهور غرب تهران اشاره کرد که هم خود رزمنده بود و هم سه فرزندش محسن، مجید و حسین کربلایی در دفاع مقدس به شهادت رسیدند.

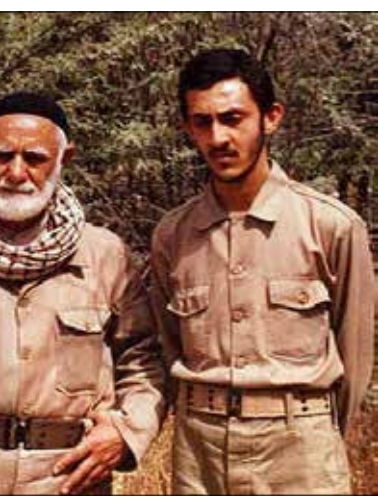
حاج نادعلی در سال ۱۳۰۱ شمسی در قلعه جی تهران به دنیا آمد. به علت فقر از سن ۸ سالگی مجبور به کار شد؛ تنها دو سال نخست ابتدایی را در مدرسه روزانه درس خواند و بقیه تحصیلاتش را تا ششم ابتدایی در مدرسه شبانه ادامه داد. مادر بزرگش از ۸ سالگی سرپرستی نادعلی را برعهده گرفت. او که قرآن را از حفظ بود و با سر سوزن ذوقی که داشت، شعر هم می‌گفت،کربلایی را از کودکی به شعر و شاعری علاقه‌مند کرد. به حدی که او حتی گاهی با مادر بزرگ مشاعره هم می‌کرد.
کارهایی که نادعلی کربلایی در طول عمر خود کرد

نادعلی کربلایی از کودکی برای گذران زندگی‌اش کارهای زیادی را تجربه کرد، از کشاورزی و گاوداری گرفته تا چند سالی خرازی و نانواپی، اما این مشاغل راضی‌اش نکرد؛ علاقه‌اش به اهل بیت (ع) بالاخره او را در جرگه مداحان قرار داد و تا آخر عمر جز مداحی کار دیگری انجام نداد. کربلایی در آغاز راه، بسیار سعی کرد نوحه‌هایش را خود بسراید، اما نتوفیقی نیافت تا اینکه حادثه‌ای زمینه اجابت این خواسته را فراهم کرد.

حادثه‌ای که زندگی نادعلی را تغییر داد

حاج مصطفی خورسندی، رئیس کانود مداحان و شاعران آئینی و شادگردان حاج نادعلی می‌گوید: «حاجی تصافی می‌کند که پایش کاملاً از کار می‌افتد. در بیمارستان به او می‌گویند باید قطع شود. او می‌گوید باید از کسی اجازه بگیرم. خودش می‌گفت: «رفتم مشهد و شروع به گریه کردم. استادم به من گفته بود با امام رضا (ع) با تکلف صحبت نکن و ساده خواسته‌ات را بگو. در حال صحبت بودم که فردی با لکنت زبان که به او «لالی» می‌گفتند، به حرم آمد و با همان نوع تکلمش گفت: یا امام رضا این مداح و شاعر شمامت، کمکش کن. او می‌گفت و من گریه می‌کردم تا هوش بشدم. به هوش که آمدم، بلند شدم و راه افتادم و کلاً عصا را جا گذاشتم. بعد از چند قدمی یادم افتاد که این مشکل را داشتم. برگشتم و عصاها را برداشتم و از حرم خارج شدم.» نادعلی کربلایی دیده بود که پرده‌ها کنار رفته و چهره واقعی افراد را می‌بیند. به کنار ضرب برمی‌گردد و می‌گوید یا امام رضا من طاقت چشم باطنی را ندارم. آن را از من بگیر. بعد از آن، ایشان طبع شعری‌اش باز می‌شود.»

نادعلی کربلایی همان لحظه از امام هشتم (ع) خواست تا طبع شعر و صدای خوش به ایشان عنایت کند. هنوز از دلش نگذشته بود که همان جا طبعش گویا می‌شود و می‌سراید: «سلمان صفت،



تو میکده دل خراب کن/ تا دل شود ز موهبت مصطفی درست.»

به ملک‌الموت بگویند بعد چاپ کتاب بیاید!

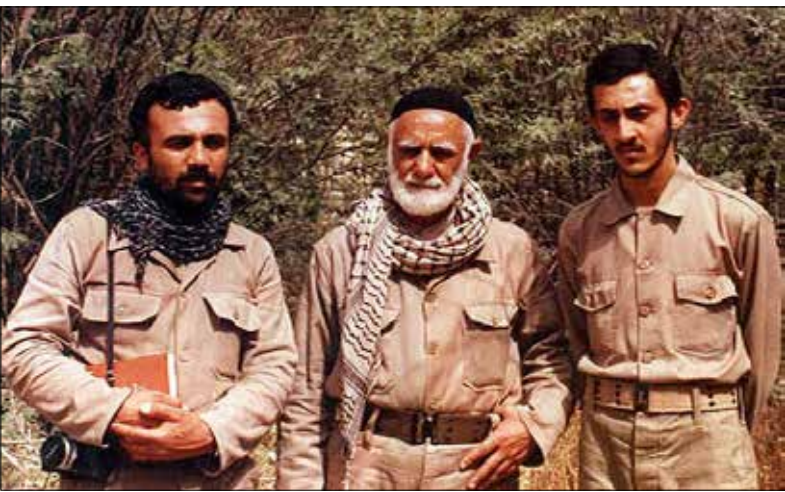
کربلایی از آن پس به سرودن شعر پرداخت و حاصل ۳۰ سال شاعری ایشان، ۱۴ جلد کتاب شامل ارمان‌گار کربلا ۱، ارمان‌گار کربلا ۲، ارمان‌گار ۳، شکوفه‌های غم ۱، شکوفه‌های غم ۲، ارمان‌ شهید، شهید گمنام، دیوان طالع، دیوان راهبان نور، دیوان کاروان عشق، دیوان گلزار کربلایی، مقتل سالار شهیدان، فاطمه زهرا (س)، صحیفه ایثار و نوحه‌سرایان است. خورسندی می‌گوید: «زمانی که استاد، کتاب شعر ارمان‌گار ۲ خود را برای چاپ فرستاده بود، حالش و به شدت بد می‌شود، به حدی که او را رو به قبله قرار می‌دهند و به نوعی تمام می‌کند. خودش تعریف می‌کرد: دیدم انسان قد بلند و زیبارویی که یک دسته ریحان در دست دارد، سمت من آمد. احساس کردم ملک‌الموت است. گفتم یا حسین یا حسین، به من گفتند امام حسین کثرت است، حرفت را بگو. من دست ایشان را دیدم، اما صورتش را ندیدم. به ایشان گفتم: من شب تا صبح بیداری کشیدم و شعرها را نوشتم، اما چاپ نشده است به ملک الموت بگویند برود بعد از چاپ بیاید. تعریف می‌کرد، ملک‌الموت دست به سینه گذاشت و عقب عقب رفت.»

مهر تو را به عالم امکان نمی‌دهم

اشعار نادعلی کربلایی در میان مداحان، بسیار مشهور است، اما شاید نوحه‌ای که خود بارها برزبان جاری می‌کرد، جذابیت خاصی داشته باشد. حاج محمد بازوند از مداحان پیشکسوت و از پانمی‌ری‌ها و شاگردان مرحوم نادعلی کربلایی می‌گوید: «حاجی کتاب‌های شعر و مداحی زیادی نوشته است و به شعرهایش خیلی علاقه داشتم؛ چون آنها را هدیه امام حسین (ع) می‌دانست. از میان شعرهایی که گفته بود، بارها می‌شنیدم که شعرهایی را زمزمه می‌کند، اما این‌ها را بیشتر از این گنج پربهاست من ارزان نمی‌دانم؛ نام تو را به نزد اجانب نمی‌برم/ چون اسم اعظم است به دیوان نمی‌دهم» یا «هر روز زخم بوسه به خاک قدمت/ چون تربت تو مهر نماز است حسین.

کیی کاربنی کربلایی از روی نوحه‌ها

در دوران دفاع مقدس و پس از آن جلسات یادواره و بزرگداشت شهدا برگزار می‌شد که نادعلی کربلایی یا خود در آن‌ها حضور پیدا می‌کرد و یا



شاگردانش را دعوت می‌کردند، اما نکته جالب آن است که نادعلی برای تک تک این مراسم براساس نظر مداحان، شعر متناسب می‌سرود.

حاج نادعلی به خوش‌قولی شهرت داشت و هروقت به کسی قول می‌داد، به طور حتم به وعده‌اش عمل می‌کرد؛ خورسندی می‌گوید: «ایشان با دستخط خود نوحه می‌نوشت. گاهی برای چند نفر نوحه می‌نوشت. کاربن می‌گذاشت تا دو یا سه کیی تهیه شود و بالای هرکدام اسم مداح می‌نوشت. نادعلی کربلایی همواره تا صبح بیدار بود و هیچ‌گاه نماز شبش ترک نمی‌شد. تا صبح نوحه‌ها را می‌سرود، بعد از نماز صبح می‌خوانید و مداحان نیز راس ساعتی که مقرر بود، به منزلس می‌رفتند و نوحه را دریافت می‌کردند. در مواردی حاج آقا به اسم شهید یا شهیدان نوحه طراحی و به ما ارائه می‌کرد و بابت این کار نیز یک ریال توقع مالی نداشت.»

مداحی که عامل به سخنانش بود

کربلایی معتقد بود: مداح اهل بیت (ع) باید خود بهترین و نخستین عمل‌کننده به آن چیزی باشد که می‌گوید و همیشه با وضو به مجالس وارد شود. خورسندی می‌گوید: «نادعلی کربلایی در دوران پرمردی خود هم به عنوان رزمنده و هم برای تبلیغ در جبهه‌ها حضور پیدا کرد و خود لباس رزم پوشید تا روحیه افراد را بالا ببرد. او در زمان شهادت هیچ کدام از فرزندانش اشک نریخت و این شهادت را از الطاف خدا می‌دانست. نادعلی کربلایی تنها در زمان درگذشت همسرش اشک ریخت و گفت: پشتوانه خود را در زندگی از دست دادم.

استاد باید مانند دستگاه تنظیم باد باشد

حاج نادعلی کربلایی برای هر مناسبتی، شعر مناسب پیدا می‌کرد و بسیار کتاب می‌خواند و تأکید داشت که برای استمعانش مطالب تازه بخواند؛ پای منبرهای نادعلی کربلایی شاگردان زیادی تربیت شده‌اند که امروز نام و یاد استاد زینت منبرهایشان است. نوع کلاس مداحی او سنتی بود و شاگردان باید در کلاس نوحه‌های ارائه شده را می‌خواندند و نکات تذکر داده می‌شد. البته روند او به این گونه بود تا حرمت و احترام شاگرد حفظ شود؛ بنابراین ممکن بود، نکات و ضعف‌های افراد را به صورت دسته جمعی بیان کند تا فردی به صورت انفرادی خطاب نشود. استاد جزوات را متناسب با هرمناسبت کیی کاربنی می‌گرفت و به شاگردان می‌داد؛ یعنی خودش با دستخط خود مطالب را می‌نوشت و برای کییی گرفتن، کاربن می‌گذاشت.

خورسندی می‌گوید: «استاد روزهای جمعه کلاس مداحی در خانه‌اش برپا می‌کرد که زحمت پذیرایی و تدارکات این کلاس برعهده همسرش بود. او معتقد بود استاد باید مانند دستگاه تنظیم باد باشد، اگر شاگردی خیلی مغرور شد و هوا برش داشت، باید بزند و باد او را خالی کند و اگر ضعیف شده بود، باید او را تحویل بگیرد تا اعتماد به نفسش را به دست آورد.»

اخلاص نادعلی کربلایی زبانزد بود

نادعلی کربلایی اخلاص بسیار زیادی داشت؛ به حدی که میان هرکس که او را دیده، این امر زبانزد است. نادعلی کربلایی اهل مراقبه بود. او زندگی ساده‌ای داشت، با قرآن مانوس بود و شب‌ها را به دعا و مناجات می‌گذراند. خورسندی می‌گوید: «زمانی استاد در مشهد بود که به او گفتند، دختر خانمی را دکترا‌ها جواب کرده‌اند و از شما طلب دعا دارند. ایشان توسلی به حضرت رقیه (س) کرد، اشکی ریخت، قندی برداشت و به قطره اشک خود زد و گفت به آن دختر دهید تا بخورد، شفا می‌گیرد. آن فرد شفا هم می‌گرفت. یعنی تا این میزان اعتقاد و اعتماد به اشک بر ابا عبدالله الحسین (ع) داشت. در مدتی که با او بودم ندیدم حتی مکروهی از او سر بزنند.»

کربلایی داغش را بنهائ می‌کرد

نادعلی کربلایی تا زمان حیاتش یک فرزندش به شهادت رسیده بود و یکی هم مفقود بود و دیگری در بستر جانبا‌زی بود که او نیز بعد از وفات پدرش به شهادت رسید. او در فراق آن فرزند مفقودش می‌سوخت. خورسندی می‌گوید: «نادعلی کربلایی، سفری به کربلا می‌رود. در آن زمان یکی از فرزندانش شهید بود و فرزند دیگری مفقود بود.و به امام حسین (ع) عرضه داشت شما دو فرزندت شهید شده است؛ یکی روی سینهنات و دیگری پایین پای شمامت، اما من یک فرزندم را ندیدم. عنایتی کنید تا او را ببینم. خانواده‌های شهدا و به خصوص نورکان امام حسین (ع) اعتقاد داشتند که «لَمَوْمُنٌ بِشَرْهٖ فِی وَجْهٍ، خَزَنَةٌ فِی قَلْبِهِ، مومن شادی‌اش در چهره‌اش است، اما ناراحتی‌اش در قلب اوست.» این خانواده داغ خود را بروز نمی‌دادند.»

آنگه را دوست داشتی، دیدی

حاج نادعلی کربلایی بر اثر سکنه مغزی به مدت سه سال در بستر بیماری افتاد و در ۶ اسفند ۱۳۸۲ دار فانی را وداع گفت. حاج اکبر بازوند، یکی از مداحان و شاگردان نادعلی کربلایی که لحظه وفات، بالای سر حاج نادعلی بوده است، می‌گوید: «در آخرین ساعات که دیگر نفس‌های کربلایی به شماره افتاده بود و چشمانش دیگر بسته شده بود، کنارش رفتم و شروع به خواندن زیارت عاشورا کردم و از خانواده خواستم که یک مهر به من بدهند؛ مهری آوردند که تربت امام حسین (ع) بود. آن را بر پیشانی کربلایی گذاشتم. وقتی به «شفاعة الحسین یوم الورد» رسیدم دیدم کربلایی نیم‌خیز شد و سه بار به حالت سلام دادن حرکت کرد. دوباره چشم‌هایش را بست. در آن لحظه در دل گفتم کربلایی آنکه را دوست داشتی، دیدی؛ هنوز از منزلسان خیلی دور نشده بودم که تماس گرفتند و گفتند: کربلایی فوت کرده است.» خانه ابدی این مداح با اخلاص اهل بیت (ع) در قطعه ۷۶ بهشت زهرا (س)، ردیف ۱۵۶ قرار دارد. امشب و در شب جمعه هفته دفاع مقدس به مزار او سری بزنید و کسب نور و معرفت کنید.

اخبار

شبکه الکوثر با «سکوت پروانه ها» همراه می شود

فیلم سینمایی «سکوت پروانه ها» از شبکه الکوثر پخش می شود.
به گزارش امتیاز، «سکوت پروانه ها» فیلمی درام اجتماعی با کارگردانی شاپور شهبازی است. «فریبا» دختری است که در یک مرکز تهیه غذا به عنوان آشپز کار می کند و است و تحت هیچ شرایطی حاضر به ازدست از کارکردن در آن مکان بسیار راضی و خشنود است و تحت هیچ شرایطی حاضر به ازدست دادن کارش نیست. سرکارگر آن جا زنی به نام «زری» است که دختری به نام «زبیا» را به عنوان کارگر جدید استخدام می کند. فریبا از ترس از دست دادن کارش در ابتدا سعی می کند تا زبیا را کارگر بدی جلوه دهد اما وقتی متوجه می شود که...

شبنم مقدمی، سارا منجزی، هومن برق نورد، آزاده ریاضی، مهری آل آقا، ساقی زینتی، رضا رضایی، مریم نیک رفتار، روناک قاسمی، عطیه علیپور، علی بهمنش، پوریا باقر و میلاد خرسند در «سکوت پروانه ها» با تهیه کنندگی مجید پری خواه نقش آفرینی کرده اند.
زبانگردانی و ترجمه این فیلم به زبان عربی توسط امیر شعبانی زاده انجام شده است.

«سکوت پروانه ها» جمعه ۴ مهر ساعت ۱۰:۳۰ به وقت تهران در مدت زمان ۸۶ دقیقه بر روی آنتن شبکه الکوثر است.

حضور «کودک قهرمان» در شبکه سحر

فیلم سینمایی «کودک قهرمان» از کانال آذری شبکه سحر پخش می شود.
به گزارش امتیاز، داستان این فیلم درباره خانواده ای چهار نفره است در حال ساخت خانه ای هستند که با حمله دشمن به ناچار مانند سایر مردم شهر و خانه محل سکونت خود را ترک می کنند. با گلوله باران جاده اصلی توسط دشمن آن ها به ناچار از مسیر فرعی ادامه مسیر می دهند اما وسیله نقلیه خانواده خراب می شود و پدر خانواده برای پیدا کردن کمک راهی دور دست ها می شود. با بنامدن خبری از پدر، «هیوا» پسر نوجوان خانواده مسئولیت را برعهده می گیرد و...

چهارنگیر الماسی، فریبا کوثری، امیر اسماعیلی، مریم بنی عامریان، یوسف نوروزی، داوود اسدپور و ابراهیم سرابندی در فیلم «کودک قهرمان» با تهیه کنندگی و کارگردانی کمال تبریزی در این فیلم نقش آفرینی کرده اند.

فیلم سینمایی «کودک قهرمان» جمعه ۴ مهر ساعت ۲۱:۲۲ به وقت تهران با زبانگردانی و دوبله به زبان آذری توسط مهدی حسین زاده از کانال آذری شبکه سحر پخش می شود.

«مجله ورزشی» از شبکه سحر می پردازد؛
عملکرد تیم های ایرانی حاضر در لیگ قهرمانان آسیا

بررسی لیگ و عملکرد تیم های فوتبال ایرانی حاضر در فینال قهرمانان باشگاه های آسیا منطقه غرب، امروز در برنامه «مجله ورزشی» از کانال آذری شبکه سحر انجام می شود.
به گزارش امتیاز، با برگزاری دیدارهای پایانی مرحله گروهی، فوتبال باشگاه های آسیا امشب به انتهای خط خود می رسد، بررسی عملکرد فنی چهار تیم ایرانی استقلال و پرسپولیس از تهران، سپاهان از اصفهان و شهر خودرو مشهد در این رقابت ها در بخش ابتدایی این برنامه ۵۵ دقیقه ای انجام می شود.
نادر حماری در بخشی دیگر به عنوان پیشکسوت والیبال کشورمان و مهمان برنامه به بررسی عملکرد والیبالیست های ایرانی و تقویم رقابت های بین المللی پیش روی ورزشکاران این رشته می پردازد.
هچنین در بخش پایانی گوشه هایی از رقابت های بسکتبال «ان بی ای» و تنیس «اپن» برای علاقمندان آذری زبان پخش خواهد شد.

«مجله ورزشی» از شبکه سحر پنج شنبه ۳ مهر ساعت ۱۸:۳۰ به وقت تهران با اجرای رامین امن گستر بر روی آنتن کانال آذری است.

مهدی منظوری تهیه کننده این برنامه است.

«مجله ورزشی» از شبکه سحر می پردازد؛ رویای ابوظبی برای رسیدن به جتکنده های آمریکایی و پایگاه نظامی انجریلیک

تلاش های امارات متحده عربی برای به دست آوردن جتکنده های «اف ۳۵» آمریکایی و انتقال پایگاه نظامی «انجریلیک» از ترکیه به امارات در برنامه «از زاویه دیگر» در کانال بالکان شبکه سحر بررسی می شود.

به گزارش امتیاز، در این برنامه ۳۰ دقیقه ای با اشاره به اهداف و شتاب کشور امارات متحده عربی برای ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی و تقویت مولفه های نظامی، موضوع زعامت این کشور عربی بر سایر ممالک عربی به بحث گذاشته خواهد شد.

آگاهی از عواقب موضوع فوق از این جهت برای مخاطبان و بینندگان کانال بالکان شبکه سحر قابل توجه خواهد بود که جندی پیش هم در اقدامی مشابه رئیس جمهور و نخست وزیر دو کشور صربستان و کوزوو با حضور «دونالد ترامپ» قبول کردند تا روابط اقتصادی خود با رژیم صهیونیستی را عادی کنند.

دکتر سیدرضا صدرالحسینی استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) در استودیوی برنامه همچنین به تأثیرات مغرب نظامی عربی امارات در منطقه و ابعاد نظامی و امنیتی توافق عادی سازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی را به بحث می شنند.

«از زاویه دیگر» جمعه ۴ مهر ساعت ۱۶:۳۰ به وقت تهران با اجرای آنکتیسا بهجتی، ترجمه همزمان عادل حاجی محمداویچ بر روی آنتن کانال بالکان شبکه سحر است.